

در این شماره

سرمایه داری در آستانه سده

بیست و یکم

در جستجوی «راه سوم»

در صفحه ۸

«بسیج دانشجویی» توطئه ئی برای سرکوب

جنبش دانشجویی

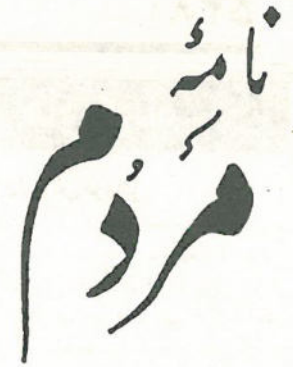
در صفحه ۳

شادباش سال نو میلادی

با پایان سال ۱۹۹۸، جهان آخرین سال هزاره دوم میلادی را آغاز کرد. ما آغاز سال ۱۹۹۹ را به همه هم میهنان مسیحی صمیمانه تبریک می گویم، و شادکامی و بهروزی برای آنان آرزو مندیم.

بگذار سال نو برای هم میهنان مسیحی ما سال تحقق آرمان های انسانی آنان در میهنی آزاد و رسته از بند های ستم استبداد رژیم «ولایت فقیه» و تبعیضات قومی، مذهبی و ملی باشد. بی شک تحقق چنین آرزویی، در گرو پیکار مشترک ما با رژیم ارتجاعی حاکم بر میهن ماست.

تحریریه «نامه مردم»



ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۴۸، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۱۵ دی ماه ۱۳۷۷

«خطاب به مردم ایران»

در پی ترور های اخیر، شماری از نویسندگان، هنرمندان، پژوهشگران و مترجمان میهن ما با انتشار بیانیه ئی اعتراض شدید خود را بر ضد موج جدید کشتار ها اعلام کردند. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است.

« هموطنان عزیز!

مصیبت بر مصیبت افزوده می شود و کسی پاسخگو نیست. مرگهای دلخراش اهل قلم در ماههای اخیر نشان دهنده خشونتی مهار گسیخته است که هدفش نابودی آزادی و امنیت شهروندان و ایجاد آشفتگی در نظم جامعه مدنی است. هنوز از فاجعه هولناک قتل داریوش فروهر و همسرش دیری نگذشته است که جسد محمد مختاری نویسنده، شاعر، متفکر پس از ربودن شدن وی، در سردخانه پزشکی قانونی پیدا می شود. و هنوز نعش این شهید عزیز روی دست ما مانده است که خیر دار می شویم محمد جعفر پوینده نویسنده و مترجم ارجمند ناپدید شده است. در این اواخر شاهد مرگ های مشکوک و قتل های فجیع بوده ایم. به اعتقاد ما امواج خشونت آفرین در این روزها به عمد تدارک دیده شده است. ضمن افشاء این خشونت سازمان یافته و ابراز عدم امنیت جانی اهل قلم و اندیشه خواستار پاسخگویی صریح مقامات مسئول مملکت هستیم و اعلام می داریم در صورت وقوع اتفاقاتی از این دست نهادهای قانونی از مسئولیت مشترک حفظ جان شهروندان میرا نخواهند بود. از تمام کسانی که این موقعیت ضد آزادی و امنیت عمومی را بر نمی تابند می خواهیم به این وحشت آفرینی خاتمه دهند!»

سیمین بهبهانی، فرخنده هادی زاده، احمد شاملو، هوشنگ گلشیری، مهدی غریب، هوشنگ حسامی، جواد مجابی، مسعود میناوی، محمد خلیلی، امیر حسن چهل تن، علی اشرف درویشیان، اسماعیل رها، خشایار دیبیمی، کاظم سادات اشکوری، داریوش آشوری، جمشید نوائی، فیروز گوران، شیرین عبادی، مهرانگیز کار، کاظم گردوانی، عباس مخبر، روشنگر داریوش، فرشته ساری، علی صالحی، علی بابا چاهی، علیرضا جباری، فریده خردمند، مهین خلیلی، نسترن موسوی، علی اکبر معصوم بیگی، محسن حکیمی، پرویز بابائی، عنایت سمیمی، ایرج کابلی، چنگیز پهلوان، کسری انوائی، هادی غبرائی، مدیا کاشیگر، ابراهیم یونسی، اسدالله حمادی، نصرت مهرگان، محمد رضا سفدری، انور خامه ای، منیرو روانی پور، فریبرز رئیس دانا، کاوه گوهری، محمود دولت آبادی، ناهید موسوی، کامران جمالی، عبدالعلی عظیمی.

مبارزه برای تامین امنیت

شغلی و پرداخت دستمزدها

- گزارشی از پیکار کارگران -

با ژرفش بحران اقتصادی، به ویژه ورشکستگی مالی دولت که کسری هنگفت بودجه در سال جاری نشانه آشکار آن است، زندگی کارگران و زحمتکشان میهن ما در گرداب هولناکی فرو رفته است. دهها کارخانه و واحد تولیدی - صنعتی، به دلیل دشواری های مالی و عدم تخصیص اعتبارات لازم به تعطیلی کشانیده شده اند و یا در آستانه تعطیلی قرار دارند. در نتیجه این مشکلات، بخش بزرگ و قابل توجهی از کارگران و زحمتکشان با معضل عدم امنیت شغلی و تعویق چندین ماهه در پرداخت دستمزدها روبه رو اند. روزنامه کار و کارگر به تاریخ ۱۹ آبان ماه امسال، در گزارشی پیرامون بحران اقتصادی، با صراحت تمام اعلام کرد: «... اکنون ایران به کشوری بدهکار تبدیل شده که در چند سال پس از جنگ تحمیلی دوره ئی از ولخرجی و سرمایه گذاری های سنگین و ناتمام و بی مطالعه را تجربه کرده است و با گسترش بیکاری، تعطیلی کارخانجات، کاهش سرمایه گذاری کاهش رشد اقتصادی و رفاه عمومی روبرو است...»

این اشاره روزنامه فوق، اعتراف صریحی است به پیامدهای فاجعه بار سیاست تعدیل اقتصادی که توسط دولت رفسنجانی در میهن ما به اجرا درآمد و اکنون با ورشکستگی مالی، سقوط ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی، رکود در صنایع، تورم و بیکاری، و در مجموع، به شکل فقر و تیره روزی همگانی خودنمایی می

بی اعتمادی مردم

به روند انتخابات

شوراهای شهر و

روستا

در پی پایان یافتن مهلت نام نویسی داوطلبان شرکت در انتخابات شوراهای شهر، شهرک و روستا، وزارت کشور رژیم اعلام کرد که جمعاً ۳۳۴ هزار نفر داوطلب نمایندگی، نام نویسی کرده اند. اگرچه خبرگزاری جمهوری اسلامی این تعداد از داوطلبین را «استقبال بی سابقه» از انتخابات نامید، ولی واقعیت این است که برخلاف تبلیغات انجام شده، شمار داوطلبان بسیار پایین تر از حد نصاب پیش بینی شده بود. روزنامه همشهری، در شماره شنبه ۱۱ دی ماه خود در این باره نوشته «در حالی که مهلت ثبت نام داوطلبان نمایندگی شوراهای روستا و روستا، برخلاف برآوردهای هفته های اخیر، استقبال مردم برای نامزدی شوراهای چشمگیر نیست. طبق برآوردها و پیش بینی های قبلی می بایست بین ۷۰۰ هزار تا یک میلیون نفر داوطلب نمایندگی شوراهای می شدند... اگر استقبال مردم افزایش نیابد، بیم آن می رود که بزرگترین انتخابات ملی کشور در سال های پیش و پس از انقلاب، با سردی برگزار شود.»

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

اخبار و گزارش های کوتاه

یورش به مراسم چهلم پروانه و داریوش فروهر

بر اساس گزارش خبرگزاری رویتر، گروهی از چماق داران رژیم ولایت فقیه، روز پنجشنبه ۱۰ دی ماه، به مراسم چهلم پروانه و داریوش فروهر یورش بردند. بر اساس همین گزارش، نزدیک به دو هزار نفر از مردم، شخصیت های سیاسی و اجتماعی در مسجد فخر تهران گرد آمده بودند. پس از پایان مراسم، در حالی که جمعیت شعار «مرگ بر استبداد» می داد، و در حضور شمار زیادی از نیروهای امنیتی، گروهی از چماق داران رژیم با سلاح های سرد به مردم یورش بردند و عده ای را مضروب کردند. نکته جالب اینکه نیروهای امنیتی پس از آنکه شماری از مردم به دفاع از خود پرداخته و با مهاجمان درگیر شدند، به آنها یورش برده و تعدادی از آنان را دستگیر کردند.

«توب، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد»

در تظاهرات وسیعی که در همدان برگزار شد، جوانان این شهر با شعار «توب، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد» با مأموران امنیتی رژیم درگیر شدند. این تظاهرات در پی پیروزی تیم فوتبال ایران بر کویت و کسب قهرمانی آسیا، رخ داد. جوانان همدانی که برای جشن گرفتن این پیروزی به خیابان ها ریخته بودند با دادن شعار بر ضد رژیم استبدادی، به شماری از ساختمان های دولتی نیز حمله کردند. امام جمعه همدان، در نماز جمعه این شهر، ضمن اعتراف به این تظاهرات مردمی از جمله گفت: «ما هم از پیروزی تیم فوتبال خوشحال شدیم ولی یعنی چه که عده ای با ریختن به خیابان ها ششیه مغازه بشکنند و شعار توب، تانک، بسیجی دیگر اثر ندارد، بدهند.» بر اساس همین گزارش ها، در پی برگزاری این نماز جمعه، شماری از چماق داران رژیم دست به تظاهراتی بر ضد جوانان زدند، و شعار می دادند: «نه سازش نه تسلیم، نبرد با آمریکا، سکوت ما به خاطر رهبر است، خامنه ای وارث پیغمبر است.»

دستمزد کارگران ۴۰٪ هزینه زندگی

به اعتراف رئیس هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار، حقوق کارگران تنها ۴۰ درصد از هزینه های زندگی آنان را تامین می کند. نامبرده در جریان سخنرانی در محل خانه کارگر قزوین تاکید کرد، طی شش ماهه اول سال جاری ۱۹/۰۷ درصد رشد نرخ تورم بوده است.

کاهش ۳۵ درصدی بن کارگری

به گزارش روزنامه اخبار، چاپ تهران، دولت خاتمی میزان یارانه دولتی برای بن کارگری را ۳۵ درصد کاهش داده است. مدیر عامل اتحادیه کارگری امکان اعلام داشته است که سهمیه هر نفر از دارندگان بن کارگری برای دریافت کالاهایی چون روغن، برنج، شکر، کره، و پنیر نسبت به پنج سال گذشته کاهش داشته است. بن کارگری از سال ۱۳۶۸ خورشیدی تا کنون هیچگونه افزایشی نداشته است.

خانه کارگر هر چه بیشتر منزوی و مطرود می شود

روزنامه کار و کارگر در تاریخ اول آذرماه نوشت که علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر رژیم ولایت فقیه در جریان دیدار از ۴ واحد تولیدی به شدت از سوی کارگران با اعتراض و تهدید روبرو شد. کارگران پیمانی کارخانه آزمایش، کارگران شرکت آبکاتان، کارگران شرکت صنایع چوبی ایران و کارگران شرکت لاستیک سازی ولکان، با افشای خانه کارگر و طرد دبیر کل آن، برای احقاق حقوق خود خواستار ایجاد تشکل های مستقل صنفی شدند. روند انزوای ارگانهای وابسته به رژیم در محیط های کارگری طی ماههای گذشته سرعت قابل توجه به خود گرفته است. به همین سبب خانه کارگر در بیشتر محیط های کارگری با بی اعتنایی شدید کارگران و مخالفت آنان روبرو شده است.

دو مأمور مورد تهدید و ارباب واقع شده.»

در هفته های اخیر نیز دادگاه «روحانیت»، اسدالله بیات، از چهره های سرشناس جناح مخالف را دستگیر و محاکمه کرده است. در نامه ئی که به این مناسبت از سوی «مجمع روحانیون مبارز» انتشار یافت، ضمن اعتراض شدید به این حرکت قوه قضائیه و نیروهای سرکوبگر، آمده است: «حضرت آیت الله یزدی، چنانچه دادرسی ویژه روحانیت، نسبت به شخصیتی روحانی، مجتهد و سابقه دار و شناخته شده این گونه برخورد کند، چگونه ممکن است سایر علما و روحانیت اسلام، احساس امنیت قضایی و اعتماد به حفظ آبرو و حیثیت خود داشته باشند.»

ائتلاف برای انتخابات شوراها

بر اساس گزارش روزنامه ایران، چهارشنبه ۹ دی ماه، شانزده حزب و گروه سیاسی - صنفی برای هماهنگی و پشتیبانی در انتخابات شوراها، ستاد مشترکی را تشکیل داده اند. در اطلاعیه ئی که از سوی این ستاد منتشر شده از جمله آمده است: «انتخابات شوراهای اسلامی آزمونی دیگر برای مردم همیشه در صحنه ایران و فرصتی گران بها جهت نهادینه کردن دخالت آحاد جامعه در اداره امور خویش به شمار می رود.» بر اساس همین گزارش، نیروهای شرکت کننده در این ائتلاف عبارتند از: ۱- مجمع روحانیون مبارز، ۲- حزب کارگزاران سازندگی، ۳- حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی، ۴- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ۵- انجمن اسلامی مهندسان ایران، ۶- انجمن اسلامی معلمان، ۷- مجمع مدرسین حوزه علمیه قم، ۸- انجمن اسلامی جامعه پزشکی، ۹- مجمع حزب الله مجلس، ۱۰- مجمع نیروهای خط امام، ۱۱- حزب همبستگی ایران اسلامی، ۱۲- انجمن اسلامی فارغ التحصیلان شبه قاره هند، ۱۳- مجمع نمایندگان ادوار مختلف، ۱۴- خانه کارگر، ۱۵- دفتر تحکیم وحدت، ۱۶- انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها.



یورش به روحانیون مخالف

در پی قتل های فجیع داریوش پروانه فروهر و سپس دکتر مجید شریف، محمد مختاری و محمد جعفر بوینده، و تشدید جو ارباب و سرکوب بر ضد دگرواندیشان، در هفته های اخیر خبرهای گوناگونی درباره یورش نیروهای ارتجاعی به برخی از روحانیون دگرواندیش منتشر شده است. بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان، نیروهای امنیتی در یورش به خانه های نزدیکان آیت الله منتظری، جمعی از آنان را بازداشت و به «دادگاه ویژه روحانیت» تسلیم کرده اند. در میان بازداشت شدگان اسامی محمود خطیب، علی خطیب، رسول فتحی، جمشیدیان، شریفیان و احراری به چشم می خورد. لازم به تذکر است که اکنون ماه هاست خانه آیت الله منتظری در محاصره نیروهای امنیتی قرار دارد و، از هرگونه رفت و آمد به خانه او جلوگیری می شود.

همچنین در هفته های اخیر، نیروهای امنیتی به خانه آیت الله غروی در اصفهان یورش برده و جمعی از نزدیکان او را بازداشت کردند. در اطلاعیه ئی که از سوی نهضت آزادی، به تاریخ ۳۰ آذرماه، انتشار یافت از جمله آمده است: «یک ماه پس از هجوم به نماز جمعه ای که در یک منزل شخصی در اصفهان برگزار می شد و طی آن دکتر سید علی اصغر غروی در اصفهان و علی غفرانی در نائین دستگیر و بازداشت شدند، می گذرد... مأموران اداره کل اطلاعات اصفهان اقدام به احضار تنی چند از همفکران ایشان کرده اند و بعضاً با ضرب و شتم و تهدید از آنان خوسته اند که از نظریات آیت الله غروی پیروی نکنند و همچنین با نهضت آزادی ایران همکاری ننمایند... همچنین پدر همسر دکتر غروی، آقای علی علیزاده که هشتاد سال سن دارند، پس از احضار، بازداشت شده اند و تاکنون از ایشان هیچ اطلاعی در دست نیست. دختران ایشان مورد بازجویی و همسرشان با چشم بسته توسط

«بسج دانشجویی» توطئه ئی برای سرکوب جنبش دانشجویی

با اوج گیری جنبش سراسری مردم میهن ما برضد استبداد و ارتجاع، رژیم ولایت فقیه توطئه های متعددی را تدارک دیده، و به مورد اجرا گذاشته است. جنبش دانشجویی کشور، به دلیل نقش بارز آن در تحولات کنونی، از مهم ترین آماج های رژیم در این زمینه محسوب می گردد. این جنبش، به دلیل سنن و سوابق درخشان مبارزاتی اش طی دهه های اخیر، به ویژه نقش جوانان و دانشجویان در انقلاب شکوهمند بهمن، در صدر لیست توطئه و سرکوب سران جمهوری اسلامی قرار دارد. از این رو، به انحراف کشاندن، مهار و در نهایت سرکوب جنبش دانشجویی برای ارتجاع حاکم هدفی عمده به شمار می آید.

رژیم واپس گرای ولایت فقیه، در سیمای جنبش پرشور دانشجویی، یکی از پرتوان ترین نیروهای اجتماعی مخالف خود را می بیند. جوانان و دانشجویان میهن ما، طی نزدیک به دو دهه حاکمیت ارتجاع و استبداد، همواره از مهم ترین گروه های اجتماعی مخالف جمهوری اسلامی بوده اند. برپایه چنین واقعیتی است که، جنبش دانشجویی در اوضاع کنونی، یکی از اساسی ترین و قاطع ترین بخش های جنبش سراسری دموکراتیک مردم میهن ما قلمداد می شود. رژیم ولایت فقیه، هم اکنون برای مقابله با این جنبش دست به تشکیل و سازماندهی نهادی ارتجاعی و پلیسی به نام بسج دانشجویی زده است.

این نهاد، اهرمی است در اختیار رژیم، به منظور مقابله با مبارزات گسترش یابنده دانشجویان، و نیز تصفیه محیط های دانشگاهی از افراد و عناصر مبارز و مترقی. به عبارت دیگر، بسج دانشجویی ارگانی است که می باید موقعیت و جایگاه رژیم را در میان دانشجویان حفظ کند. در همین راستا، مجلس شورای اسلامی، در جلسه علنی روز چهارشنبه ۲۰ آبان ماه سال جاری، به ابتکار نمایندگان وابسته به باند رسالت - حجتیه، که اکثریت مجلس را تشکیل می دهند، طرح بسج دانشجویی را از تصویب گذراند، و به حضور دایمی نیروهای سرکوبگر در دانشگاه های کشور رسمیت بخشید!

به گزارش مطبوعات مجاز، مجلس شورای اسلامی، طرح «تشکیل، تقویت و توسعه بسج دانشجویی» را در شور دوم به تصویب رسانید. مصوبه مذکور چارچوب و حیطة فعالیت و جایگاه این ارگان بشدت ارتجاعی را مشخص می سازد. در طرح مصوبه مجلس پیرامون ماهیت و نقش بسج دانشجویی، با صراحت تأکید می گردد: «به منظور جذب، آموزش و سازماندهی دانشجویان داوطلب دانشگاهها، موسسات و مراکز آموزش عالی و تقویت روحیه همیاری، مسئولیت پذیری، بسط فرهنگ و تفکر بسیجی و ایجاد آمادگی دفاع همه جانبه از دستاوردهای انقلاب اسلامی، بسج دانشجویی یا پشتیبانی وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، دانشگاههای آزاد اسلامی و سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی تشکیل، تقویت و توسعه می یابد...» همچنین در طرح مذکور، مسئول بسج دانشجویی هر موسسه و دانشگاه، عضو شورای فرهنگی آن دانشگاه و موسسه آموزش عالی خواهد بود!

اعتبارات مورد نیاز این ارگان ارتجاعی و سرکوبگر، برپایه مصوبه مجلس رژیم، توسط: «وزارتخانه های دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأمین می شود و این وزارت خانه ها مکلفند اعتبار مورد نیاز این قانون را در سال ۱۳۷۷ از ردیف تقویت بنیه دفاعی سرانه بسج دانشجویی و از ردیف بودجه فرهنگی و پژوهشی دانشگاهها تأمین و برای سالهای بعد دستگاههای فوق مکلفند

اعتبار مورد نیاز را در لایحه بودجه پیش بینی نمایند.» به علاوه، آیین نامه اجرایی قانون فوق، ظرف مدت سه ماه، توسط نیروهای مقاومت بسیج و با همکاری وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی، دفاع و آموزش پزشکی، تهیه و پس از تأیید ستاد کل نیروهای مسلح به تصویب ولی فقیه رسیده و جنبه اجرایی پیدا خواهد کرد. یکی از جالب ترین تبصره های مصوبه مجلس، نامیدن روز دوم آذرماه در هر سال به نام روز بسج دانشجویی است!

به این ترتیب جمهوری اسلامی به یکی از توطئه های شوم خود برضد جوانان و دانشجویان کشور اعتبار قانونی بخشیده، و به زعم خویش، سیاست سرکوب را به جامه «قانون» آراسته است! از رژیم واپس گرا و مردم ستیز ولایت فقیه انتظاری بیش از این نیست.

ناطق نوری، رئیس مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی، هراس و نگرانی رژیم را چنین بازگو می کند: «اگر بخواهیم جو دانشگاه های ما حزب الهی باشد، باید نیروها و کسانی که وارد دانشگاهها می شوند، بسیجی، نیروهای مخلص، معتقد و پایبند به ارزش ها باشند...» به بیان روشن تر، طرح بسج دانشجویی، برای پاکسازی دانشگاه ها و سرکوب مبارزات دانشجویان است تا محیط مراکز آموزش عالی «حزب الهی» شود!

تصویب سریع طرح بسج دانشجویی، اقدامی است که هدف آن سرکوب دانشجویان و پاکسازی دانشگاه ها است. قانونیت بخشیدن به این توطئه، برخلاف تصور و برنامه رژیم، از قدرت مانور حکومت در میان دانشجویان و در محیط های دانشگاهی به شدت خواهد کاست. این طرح و اجرای آن، به عیان ماهیت واپس گرا و سرکوبگر رژیم ولایت فقیه را در برابر دیدگان جوانان و دانشجویان افشاء می سازد، به تنش دامن می زند و جو را بیش از پیش آماده گسترش مبارزه می کند، و در نتیجه، انزوای بیشتر رژیم را در محیط های دانشگاهی به همراه خواهد داشت.

انتخاب روز بسج دانشجویی در دوم آذرماه هر سال، یک اقدام خصمانه در برابر دانشجویان است و کوششی ست آشکارا برای خنثی سازی و لوث کردن سوابق مبارزات دانشجویی که روز شانزدهم آذر نقطه عطف آن به لحاظ تاریخی است. بدون شک این تلاش مذبوحانه با شکست خفت بار سران جمهوری اسلامی روبه رو خواهد شد.

رژیم ولایت فقیه باید بداند که قادر نیست و نخواهد بود، جنبش دانشجویی و مبارزات درخشان آن را که در روز تاریخی شانزدهم آذر تجلی یافته و با خون سه دانشجوی شهید به سبب مبارزات بدل شده است، با رای و تمایل افراد مغرض با عنوان «نماینده» به دست فراموشی سپارد و بر آن خط بطلان کشد! شانزدهم آذر، که با خون دانشجویان (مصطفی بزرگ نیا عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، شریعت رضوی عضو سازمان جوانان توده ایران و قندچی هوادار مصدق) به یک تاریخ غیر قابل تغییر بدل شده، بیش از آن ریشه دار و پایدار است که یک رژیم ضد مردمی بتواند آن را نادیده بگیرد.

کوتاه سخن: تصویب طرح بسج دانشجویی اقدام آشکاری برای سرکوب جنبش رو به رشد دانشجویی کشور است. همبستگی و اتحاد دانشجویان سراسر کشور، زیر شعار تاریخی و ماندگار جنبش دانشجویی ایران یعنی اتحاد، مبارزه، پیروزی، پاسخ روشن و قاطع دانشجویان مبارز به رژیم واپس گرا، دانش ستیز و تاریک اندیش ولایت فقیه است. بدون تردید، با هوشیاری و همبستگی، جنبش دانشجویی توان و نیروی متحد خود را برای در هم شکستن توطئه های جمهوری اسلامی به کار خواهد گرفت. اتحاد، مبارزه، پیروزی، اینست رمز کامیابی و اعتلای جنبش دانشجویی ایران!

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه سرمایه داری در آستانه سده ...

یافته، و بازده کار هم سه برابر شده است و شرکت هایشان تا شش برابر سود داشته اند!

در ژاپن، بحران اقتصادی سبب گردیده است که دهها بانک بزرگ ورشکسته شوند. دولت ژاپن در نظر دارد با بودجه ۱۰۰ میلیارد دلار، سیستم بانکی این کشور را اصلاح کند. در تاریخ ۲۱ مهرماه امسال، مجلس ژاپن از طریق خرید سهام بانک هایی که ورشکسته شده و یا با مشکلات روبه رو اند به آنها یاری خواهد رساند. شاخص بیکاری در ژاپن، در سال ۱۹۹۷ میلادی، تا مرز بی سابقه ۳/۴ درصد افزایش یافت. تعداد کل بیکاران به مرز ۲/۵ میلیون نفر رسید، که از سال ۱۹۵۳ تاکنون بی سابقه است.

در اروپا، بیکاری و عدم امنیت شغلی، پیامدهای اجتماعی ناگوار به بار می آورد. به گزارش نشریه اکونومیست، دولت آلمان برای تأمین کسری بودجه خود، وادار به صرفه جویی شده است، و باید حداقل ۵۰ میلیارد مارک صرفه جویی کند. در کشورهای اسکاندیناوی، که روزگاری نقش ویتترین سرمایه داری را در مقابل سوسیالیسم بر عهده داشتند، یورش وسیع و سازمان یافته ئی بر ضد دستاوردهای اجتماعی در جریان است. سطح دستمزدها، شرایط شغلی و سیستم تأمین اجتماعی به سرعت در حال تنزل است. بحران مالی، بنیه اقتصادی این کشورها را تضعیف کرده و بحران سیاسی در اسکاندیناوی در آینده ئی نزدیک، قابل پیش بینی است.

● راه برون رفت از بحران، نظریه های نوین در سیستم سرمایه داری: راه سوم

بحران کنونی اقتصادی و عدم توانایی اقتصاد سرمایه داری، آغاز یک رشته بحث، بررسی و پژوهش های دامنه دار، به ویژه از سوی نظریه پردازان مدافع سرمایه داری را سبب شده است. مهم ترین ویژگی که در انواع تئوری های به ظاهر نوین قابل تشخیص است، هدف یکسان و مشترک آنها برای نجات سرمایه داری از بن بست محتوم آن است. بازتاب بررسی ها و پژوهش های کنونی، که برخی تئوری های جدید را پایه گذاری کرده اند، در اختلاف میان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به خوبی آشکار می شود. در جریان برگزاری اجلاس مشترک سالیانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، در واشنگتن، این دو نهاد قدرتمند امپریالیسم در باره ئی مسایل، در نقطه مقابل یکدیگر قرار گرفتند.

در اجلاس واشنگتن، جیمز ولفون، رئیس بانک جهانی، با توجه به خطری که از ناحیه بحران اقتصادی، سیستم سرمایه داری را تهدید می کند، به انتقاد از برخی سیاست های صندوق بین المللی پول پرداخت. وی در بخشی از سخنان خود گفت: «ما باید فراتر از ثبات مالی کشورها روی مسایل اجتماعی متمرکز شویم... ما باید اصلاح مالی کشورها را با اصلاح وضع اجتماعی آنها تلفیق کنیم، ما باید در جریان بحث و بررسی سیاست های اقتصادی راه و رسمی را اتخاذ کنیم که منطق ریاضی بر منطق انسانی غالب نشود...»

آنچه جیمز ولفون، رئیس بانک جهانی، به عنوان انتقاد صریح مطرح می سازد، بازتاب نظریه های نوین در میان اندیشمندان هوادار سرمایه داری است. همچنین، نشان دهنده این واقعیت است که نظریه موسوم به راه سوم، و یا به عبارتی بازسازی مجدد سوسیال دمکراسی، اکنون به نظریه مورد توجهی در اکثر محافل جهان سرمایه داری مبدل شده است.

برای درک روند کنونی سرمایه داری، و آشنایی با روش ها و مدل های جدید آن، بررسی برخی نظریات مطرح در میان جامعه شناسان و اقتصاد دانان مدافع سرمایه داری، ضروری است. یکی از نظریه پردازان مطرح در میان پژوهش گران سرمایه داری، لسترتورو، استاد مدیریت و اقتصاد در انستیتو تکنولوژی ماساچوست آمریکا است. تازه ترین کتاب آقای لسترتورو «آینده سرمایه داری» نام دارد. این کتاب بحث های جنجال برانگیزی را در میان اقتصاد دانان دامن زد. وی در باره اندیشه ها و تئوری خود می گوید: «... من در جستجوی عوامل و نیروهای ام تا دلیل رویدادهای اقتصادی، مانند کاهش دستمزدها در آمریکا، افزایش بیکاری در اروپا، و رکود در ژاپن را پیدا کنم... اختراع ماشین بخار امکان مالکیت خصوصی بر منابع انرژی را افزایش داد، و سبب شد که مالک تصمیم گیری کند. در فنودالیسم، تصمیم گیری اساساً به مالکیت زمین بر می گشت. اما حالا که جهان در سیطره صنایع الکترونیکی، کامپیوتر-دانشگر قرار می گیرد، دارایی اصلی همان قدرت فکری است، حال آنکه نمی توان مالک افراد شد. این امر تصور ما را از سرمایه داری عوض می کند. وقتی نتوانید دارایی اصلی (یعنی قدرت فکری) را تملک کنید، سرمایه داری چه معنایی می دهد؟... مساله ما امروز آشتی دادن نابرابری و گرایش

های سرمایه داری، به وسیله فشار آوردن برای برابری و انتظار برای دمکراسی است. دمکراسی همچون شیوه ئی مطرح می گردد که از زیاده روی های سرمایه داری که به انقلاب منجر می شود، جلوگیری می کند. دمکراسی اگر ملزوم به ارائه راه حل باشد، در مواجهه با بحران نسبتاً خوب عمل می کند...»

مفهوم تئوری لسترتورو، در یک کلام، عبارتست از آشتی دادن سرمایه داری با برابری و عدالت. لسترتورو البته یکی از نظریه پردازانی است که به شدت از سیستم سرمایه داری حمایت می کند، و خود به صراحت اعتراف می کند که، مفهوم عدالت و برابری در نزد او، چیزی غیر از شعارهای مارکسیستی است.

اما مهم ترین و بحث برانگیزترین نظریه پرداز مطرح، که از مدافعان جدی بقاء سرمایه داری است آنتونی گیدنز، رئیس دانشکده اقتصاد لندن است. تزاها و برداشت های وی اینک به سیاست غالب در حزب کارگر انگلستان، به رهبری تونی بلر، بدل شده است، و نیز بخش مهمی از محافل سوسیال دمکرات در اروپا و آمریکا به آن گرایش یافته اند، و در محافل نظیر بانک جهانی، نظرات گیدنز از هواداران جدی برخوردار شده است. آخرین کتاب آنتونی گیدنز «راه سوم» نام دارد، که تلاشی برای بازسازی مجدد سوسیال دمکراسی است. وی اخیراً در مصاحبه ئی با مجله نیوزویک، به توضیح و تشریح تئوری خود، «راه سوم»، پرداخته است. گیدنز تأکید می کند: «... اکنون منظور از راه سوم، تلاش برای کشف شیوه ئی است که در حد واسط میان دو فلسفه غالب دوران ما، یعنی سوسیالیسم و اقتصاد بازار، قرار دارد. هیچ یک از دو فلسفه یاد شده، نتوانسته اند ما را به هدف برسانند، و موجب ناامیدی اند. تاچریسم و ریگانیسم، در انگلستان و آمریکا، نیز وضع مشابهی دارند. منظور از راه سوم، جستجو برای یافتن سیاست هایی است که به ما اجازه می دهد وضعیت جدیدی را که در آنیم یعنی رقابت در دنیایی که همه جوانب آن جنبه جهانی به خود گرفته است، درک کنیم، و در جامعه ئی زندگی کنیم که به گونه ای معتدل و منطقی یکپارچه است... من به شکلی با ایده نخست وزیر فرانسه، آقای لیونل زوسپین، که می گوید اقتصاد بازار آری، جامعه مبتنی بر بازار نه، موافقم... من وظیفه خود می دانم در این باره توضیح بیشتری بدهم. هیچ کس نمی تواند از پذیرش اصول بازار اجتناب کند، هیچ جایگزینی برای سرمایه داری وجود ندارد. این همان تغییر قابل ملاحظه ئی است که در جهان روی داده است، و فوق العاده مهم است. تنها راه و امکانی که باقی می ماند، اینست که ترتیبی دهیم تا سرمایه داری از لحاظ اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی برای مردم مفید باشد. دولت های چپ گرایی اروپا (منظور دولت های سوسیال دمکرات به ویژه دولتی مانند دولت تونی بلر است) سیاست های جدیدی را اتخاذ کرده اند. برای مثال می توان به سیاست هایی که در زمینه بازار کار، تقویت بنیادهای جامعه، و احیای بخش اختیاری در کنار بخش های خصوصی و دولتی، اشاره کرد...» گیدنز، در پاسخ به پرسشی درباره روسیه و اوضاع ناگوار آن، می گوید: «دور شدن روسیه از اقتصاد بازار یک فاجعه است. درس بزرگی که ما از وضعیت حاکم بر روسیه می گیریم، اینست که بدون وجود نهادهای اجتماعی مناسب، که از اقتصاد سرمایه داری با قاطعیت حمایت کند، اجرای اقتصاد سرمایه داری هیچ سودی در بر نخواهد داشت...»

برپایه نظریات آنتونی گیدنز و افرادی نظیر او، احزاب سوسیال دمکرات و محافل میانه روی سرمایه داری، سیاست و استراتژی خود را بر این شالوده قرار داده اند که با بازسازی و اصلاح سوسیال دمکراسی در بطن اتحادیه اروپا، می توان سرمایه داری را از سرنوشت محتوم آن نجات بخشید. تبلیغات اخیر، و بسیار گسترده، پیرامون اینکه در اغلب کشورهای اروپا سوسیال دمکراتها حاکم شده اند، ناشی از این استراتژی است. در ماه های گذشته برپایه چنین سیاستی، پیروزی سوسیال دمکرات های آلمان، و تشکیل دولت ائتلافی با سبزها، در مرکز اخبار رسانه های امپریالیستی قرار داشت. اصلاح و بازسازی سوسیال دمکراسی، برای اجرای راه سوم، نیز چیزی نیست جز گرایشات شدیداً راست گرایانه در احزاب سوسیال دمکرات انگلستان و سوئد و احزاب سوسیالیست اسپانیا، پرتغال و یونان، که سبب رشد نارضایتی در میان مردم، و ایجاد فاصله ژرف بین اتحادیه های کارگری و احزاب سوسیال دمکرات در اروپا، شده است. البته تئوری سازی و نظریه پردازی برای نجات سرمایه داری، به هیچ وجه تاگزی ندارد. طی حداقل نیم سده گذشته، ما شاهد انواع تئوری ها مانند: «تئوری عوامل تولید»، «سرمایه داری سامان یافته»، «تئوری دگرسانی سرمایه داری»، «تئوری همگرایی، سرمایه داری ارشادی و کارفرمایی آزاد» بوده ایم. که تاریخ واقعیت زندگی بر آنها خط بطلان کشیده است.

نکته دیگر اینکه افزون بر بحران عمیق اقتصادی که سرمایه داری جهانی با آن

ادامه مبارزه برای تأمین امنیت شغلی ...

کند. روزنامه کیهان در تاریخ ۱۱ آبان ماه سال جاری، گزارش سخنرانی نماینده رژیم را از شهر مشهد، در جمع کارگران کارخانه خانه سازی این شهر، منتشر ساخت. در بخشی از این گزارش چنین آمده است: «... وضعیت بحرانی که امسال در بخش صنعت به وجود آمده، باعث شده است، حدود ۴۰۰ کارخانه به دلایل مختلف از گردونه تولید خارج شوند... وضعیت بخش صنعت نگران کننده است... این شرایط در سال آینده بحرانی تر خواهد شد و جامعه کارگری را هم در بر خواهد گرفت...»

از سوی دیگر، ابعاد بیکاری چنان گسترده شده که نگرانی و هراس جدی را در میان سران رژیم برانگیخته است. مدیر کل استان آذربایجان غربی، ضمن یک گفتار مطبوعاتی، یادآور شد که، بیکاری معضل اصلی این استان است؛ ۳۲۰ طرح صنعتی و تولیدی در این استان ناتمام مانده است. وی متذکر شد که روند خصوصی سازی، امنیت شغلی ۱۵۰ هزار کارگر شاغل این استان را تهدید می کند.

استاندار لرستان نیز، در یک مصاحبه مطبوعاتی، تاکید کرد که میزان بیکاری در این استان ۱۸/۴۸ درصد جمعیت فعال است. به این ترتیب در جدول میزان بیکاری استان های کشور، لرستان پس از کرمانشاه در ردیف دوم قرار دارد. برپایه آمار رسمی، در استان های چهارمحل بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، آمار بیکاری رقم بالایی را تشکیل می دهد. در استان گیلان، طی سال جاری، سه چهارم کارگران پیمانی از کار اخراج شده اند. در استان های خوزستان، آذربایجان شرقی، مرکزی، مازندران و اصفهان، که قطب های صنعتی کشور محسوب می شوند، با فروپاشی بنیه تولیدی و تعطیلی کارخانه ها، بیکاری به نحوی روزافزون رشد کرده است.

در استان خراسان و نیز شهر یزد، کلیه کارخانه های وابسته به صنایع نساجی در حال رکود کامل و یا تعطیلی اند. بنا به اعتراف یکی از مقامات استانداری خراسان، اگر وضعیت کنونی ادامه یابد و جلوی واردات بی رویه پارچه و فرآورده های نساجی از خارج گرفته نشود، اغلب کارخانجات نساجی تعطیل خواهند شد.

در تهران، گروه صنعتی ملی - کفش ملی - در آستانه ورشکستگی کامل قرار گرفته است. روزنامه همشهری در شماره ۱۱ آبان ماه خود نوشت: «گروه صنعتی ملی، وابسته به سازمان صنایع ملی ایران، ۲۲ میلیارد تومان بدهی دارد. این کارخانه که تا پیش از انقلاب در خاورمیانه از نظر تنوع و کارایی حرف اول را می زد، اکنون هر سال ۳ میلیارد تومان ضرر می دهد...» با توجه به این وضعیت، مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برای تأمین امنیت شغلی و دریافت بموقع دستمزدها، گسترشی جدی داشته است!

روزنامه اخبار، خیر اعتصاب کارگران و کارکنان موسسه جهاد نصر وابسته به وزارت جهاد سازندگی را منتشر ساخت. کارکنان این موسسه با مشکل اخراج و عدم پرداخت به موقع حقوق خود روبه رو هستند. کارگران کارخانه جهان چیت که از زمره واحدهای تولیدی مهم کشور محسوب می گردد و بالغ بر ۲۰۰۰ کارگر در آن به کار اشتغال دارند، در یک حرکت برنامه ریزی شده، دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. دریافت دستمزدهای معوقه و جلوگیری از اخراج، دو خواست اساسی کارگران اعتصابی بود.

در کارخانه باتری سازی نور تهران، بنا به دستور مدیریت ۸۰۰ تن از کارگران در آستانه اخراج قرار گرفته اند. کارگران مبارز این واحد تولیدی با امضاء طومار و تحصن در برابر در کارخانه، اعتراض خود را به نمایش گذاشتند.

همچنین کارکنان برق منطقه ای تهران، که اعتصابات آنها در گذشته در به زانو درآوردن رژیم سلطنتی در جریان انقلاب بهمین، نقش مهمی بازه کرد، در اوایل آبان ماه، در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود، به سازماندهی یک اعتصاب موقت مبادرت کردند. در استان خوزستان تنش شدید در مراکز صنعتی و محیط های کارگری ادامه دارد. گروهی بالغ بر ۷۰۰ نفر از کارگران پیمانی پالایشگاه آبادان که از کار اخراج شده اند، در خیابان های این شهر به راه پیمایی پرداختند.

فنگران اخراجی در این حرکت اعتراضی به شدت مورد حمایت مردم واقع شدند. در شهرداری آبادان نیز، نزدیک به ۲۰۰ کارگر در اعتراض به خطر اخراج و عدم پرداخت به موقع دستمزدهای خود، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

با اعلام ورشکستگی کارخانه لوله و ذوب فلز اهواز، نزدیک به ۴۰۰۰ کارگر شاغل در این مجتمع تولیدی به صف بیکاران افزوده شدند. ورشکستگی مالی این کارخانه به حدی بود که کارفرمایان و مدیریت قادر به پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران اخراجی نشده اند. کارگران تهدید کرده اند در سطح شهر به راه پیمایی خواهند پرداخت.

از ناآرامی و کم کاری و اعتصاب در پولاد اهواز و صنایع نفت مسجد سلیمان، آغاچاری و گچساران گزارش های متعددی به طور جسته و گریخته انتشار یافته است. در اندیمشک و دزفول، کارگران شهرداری به خطر اخراج خود اعتراض کرده، و تهدید به اعتصاب نامحدود کرده اند. به گزارش مطبوعات رژیم، در روزهای ۶ و ۷ آبان ماه امسال، کارگران کارخانه آجر عالی اصفهان به دلیل دریافت نکردن دستمزدهایشان، که مدت هاست به آنها پرداخت نشده، در مقابل استانداری اصفهان تحصن کردند. بنا به خبر روزنامه کار و کارگر، کارگران کارخانه آجر عالی اصفهان، به طور هماهنگ و با صفوفی فشرده، در تحصن شرکت کردند. در کارخانه آذر اصفهان نیز، کارگران باخواست پرداخت بموقع دستمزدها در مقابل در این واحد تولیدی تجمع کردند. در کارخانه سیمان سپاهان، کارگران در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود، به شیوه کم کاری متوسل شده اند.

در اوایل آبان ماه، نزدیک به ۲۰۰۰ کارگر شهرداری تهران، به دلیل دریافت نکردن بموقع حقوق خود، اعتصاب محدودی را سازمان دادند. در استان ایلام نیز کارگران شهرداری و رانندگان ماشین های سنگین، در اعتراض به وضعیت اسف بار معیشتی، دست به تحصن و راه پیمایی زدند، و خواستار حل مشکلات اقتصادی خود شدند. خانواده های این زحمتکشان از کم ترین امکان مالی برخوردار نیستند.

در بندرانزلی و رضوان شهر، ماهیگیران زحمتکش در اعتراض به اقدامات دولت، و عدم تأمین مالی، دست به اعتصاب زده اند. در بندرانزلی، ماهیگیران در مقابل فرمانداری یک گردهمایی را سازمان دادند. روزنامه اخبار به تاریخ ۹ آبان ماه نوشت که صدها ماهیگیر و خانواده آنها با مشکل جدی معیشتی روبه رو هستند. در رضوان شهر نیز حدود ۲۰۰ ماهیگیر در اعتراض به سیاست های دولت، در سطح شهر راه پیمایی کردند. این حرکت با برخورد خشن سیاه و بسیج روبه رو شد. به نوشته مطبوعات مجاز حداقل ۱۸ ماهیگیر زحمتکش توسط سیاه بازداشت شدند. در کارخانه نخ ریسی پارسیلون واقع در خرم آباد، کارگران باخواست پرداخت بموقع دستمزدها و جلوگیری از اخراج کارگران، خط تولید را تعطیل و در محوطه کارخانه تجمع اعتراضی برپا داشتند.

کارگران کارخانه سفال شهر بیرجند نیز که بیش از ۸ ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند، با اعلام اعتصاب، در برابر فرمانداری بیرجند تحصن کردند. روزنامه کار و کارگر به تاریخ ۱۰ آبان ماه، با انتشار خبر این حرکت اعتراضی، اعلام داشت که کارگران تهدید به اعتصاب نامحدود کرده اند. همین روزنامه، در اوایل آبان ماه، خبر اعتراض کارگران چیت سازی بهشهر و گردهمایی کارگران خانه سازی کرمان را انتشار داد. خواست، هر دو مورد اعتراض، جلوگیری از خصوصی سازی، اخراج کارگران، و پرداخت بموقع دستمزدها بود. همچنان که پیداست، اعتصاب، تحصن، گردهمایی، امضاء طومار، تجمع در برابر مراکز دولتی، از زمره اشکال متنوعی اند که کارگران و زحمتکشان برای ابراز مخالفت خود با سیاست های کنونی رژیم ولایت فقیه، به آنها توسل جسته اند. با توجه به ژرفش بحران اقتصادی، و تنش های رو به گسترش سیاسی - اجتماعی در کشور، طی سال های آینده ما شاهد حضور جدی تر طبقه کارگر در عرصه مبارزات صنفی و سیاسی خواهیم بود. مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن ما، بخش جدایی ناپذیری و حلقه اساسی و نیرومند جنبش سراسری مردم ایران برای طرد رژیم واپس گرا و کارگر ستیز ولایت فقیه است. از این رو اعتلاء مبارزه کارگران در پیوند درونی آن با اوج گیری مبارزه سراسری قرار دارد. به همین جهت باید از هرباره آمادگی لازم بیشتری را برای سازماندهی جنبش کارگری در اوضاع کنونی داشت. این وظیفه خطیری است که به ویژه بردوش کارگران پیشرو و رفقای توده ای داخل کشور قرار گرفته است.

ادامه بی اعتمادی توده ها نسبت به ...

بی جویی علل برخورد سرد مردم به روند انتخابات شوراها، کار دشواری نیست. تشدید جو اختناق و سرکوب، از جمله ترور پروانه و داربوش فروهر و همچنین قتل های وحشیانه دکتر مجید شریف، محمد مختاری و محمد پوینده، در هفته های پیش از آغاز نام نویسی داوطلبان نمایندگان، در کنار تشدید فعالیت ارگان های سرکوبگر، بورش به روحانیون دگر اندیش، و تهدید نیروهای مخالف، آن چنان فضایی از بی اعتمادی و نا امنی ایجاد کرد که بسیاری از مردم نسبت به انتخاباتی که چارچوب های اجرائی آن را نیروهای سرکوبگر تعیین می کنند، به کلی بی باور شدند. از سوی دیگر، نامعلوم بودن حدود و اختیارات شوراها، در اوضاع کنونی و در شرایطی که حاکمیت استبداد «ولایت فقیهی» همچنان همه جانبه اعمال می گردد، بحق مردم را نسبت به کارائی چنین شوراها بی به شدت بدبین کرده است.

نکته دیگر اینکه، در هفته های اخیر روشن شده است که اکثریت قاطع هیأت های نظارت بر انتخابات در انحصار جناح واپس گرا و انحصار طلب رژیم است، یعنی جناحی که معتقد به استبداد مطلقه است، و اینکه این جناح مصمم است تا همان نظارت استصوابی از نوع شورای نگهبان را در تعیین صلاحیت نامزدهای انتخاباتی، اعمال کند. به گزارش روزنامه های مجاز، شماری از نمایندگان مجلس، به عملکرد انحصاری هیأت های نظارت بر انتخابات، و خلاف قانون بودن این عملکرد، اعتراض کرده اند. این نمایندگان، با استناد به تبصره ۲، ماده ۶۰ قانون انتخابات شوراها، اعلام کرده اند که هیأت های نظارت باید کاملاً بی طرف باشند و در غیر این صورت هیأت نظارت مرکزی باید آنها را منحل کند.

همچنین در هفته های اخیر جناح حاکم، لایحه ئی را برای «اصلاح قانون انتخابات شوراها» به مجلس ارائه کرده است که نکته اساسی آن ایجاد شرایطی است که جناح راست بتواند نامزدهای جناح های دیگر را به راحتی رد صلاحیت کند. بر اساس گزارش روزنامه همشهری «نکته اصلی آن است که قرار است در جلسه بررسی طرح، پیشنهادی مطرح شود که بر اساس آن نظر هیأت نظارت درباره تأیید و یا رد صلاحیت افراد بدون ارائه هیچگونه دلیل و مدرکی قطعی و لازم الاجرا [نظارت استصوابی] باشد.»

حزب توده ایران، هفته ها قبل، ضمن هشدار در این باره، و عملکرد مخربی که جناح مدافع ارتجاع، استبداد و سرکوب می تواند در روند انتخابات شوراها اعمال کند، از جمله اعلام کرد: «ارتجاع حاکم و نیروهای واپس گرا که نهادها و اهرم هایی چون قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، نیروهای امنیتی و سرکوبگر را در اختیار کامل خود دارند، با در قبضه گرفتن «هیأت های نظارت» بر انتخابات شوراها شهر و روستا، کارزار گسترده ئی را آغاز کرده اند تا اجازه ندهند نمایندگان واقعی مردم در انتخابات شوراها شرکت فعال و مؤثر داشته باشند» (نامه مردم، شماره ۵۴۵، ۳ آذرماه ۱۳۷۷).

ما همچنین ضمن اشاره به ماهیت عمیقاً ارتجاعی و واپس گرایانه این نیروها، تأکید کردیم که مدافعان استبداد «مطلقه» بنابر ماهیت شان، نمی توانند خواهان تشکیل شوراهای واقعی متشکل از نمایندگان واقعی توده ها باشند. این نیروها خواهان آن چنان شوراهایی هستند که «در خط ولایت» گام بردارند، و نهادهایی نمایشی و بی خاصیت از کار درآیند که نتوانند هیچ تأثیر اساسی و واقعی بر سرنوشت سیاسی کشور داشته باشند.

آنچه مسلم است، این است که اکثریت قاطع مردم میهن ما خواهان تشکیل شوراهای واقعی، همانند ابزاری برای اعمال حق حاکمیت خود اند. چنین خواستی با اهداف و امیال انحصار جویانه و ضد دموکراتیک نیروهای مدافع استبداد و سرکوب در تضاد آشکار قرار دارد. عدم استقبال وسیع توده ها از نام نویسی برای نمایندگی در انتخابات شوراها در واقع اعتراضی است به حرکات ضد مردمی و ضد دموکراتیک مرتجعان حاکم. در صورتی که روند انتخابات شوراها به همین شکل ادامه پیدا کند، و شمار زیادی از داوطلبان مستقل، از شرکت در انتخابات محروم شوند، سلامت و اساس انتخابات شوراها به شدت زیر علامت سؤال خواهد رفت.

نکته مهمی که در این زمینه باید به آن توجه کرد، این واقعیت است که صحنه انتخابات شوراهای شهر و روستا، عرصه کارزار مهم یکبار سیاسی به قصد افشای رژیم واپس گرا و ضد مردمی «ولایت فقیه» است. این انتخابات، فرصت مناسبی است تا با افشای همه جانبه ماهیت عمیقاً دیکتاتوری و ضد مردمی رژیم حاکم، توده های مردم را حول شعارهای رادیکال و مترقی، از جمله مبارزه در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی، و عدالت اجتماعی بسیج کرد. این انتخابات همچنین صحنه مناسبی است تا مردم میهن ما یک بار دیگر دولت آقای خاتمی و میزان کارائی آن را در ارتباط با شعارها و قول های انتخاباتی که داده است، به محک تجربه بزنند. ناتوانی دولت در اجرای قول های انتخاباتی و عدم تمایل آن به درگیری مستقیم با مرتجعان حاکم، بیش از پیش مردم را به این نتیجه گیری می رساند که باید مستقلاً در راه دست یابی به حقوق و آزادی های فردی، سیاسی و اجتماعی خود مبارزه کند. شرکت فعال در این مبارزه سیاسی، یعنی در مبارزه ئی که ماهیت رژیم استبدادی حاکم پیش از پیش افشاء خواهد شد، از جمله مهم ترین وظایفی است که پیش روی همه نیروهای مترقی، خصوصاً رزمندگان توده ای، قرار دارد.

با وجود تلاش همه جانبه جناح راست حکومت برای به دست گرفتن زمام امور انتخابات شوراها مردم زحمتکش میهن ما باید عرصه تدارک و برگزاری انتخابات را به رد آشکار و قاطع غاصبان حقوق خود تبدیل کنند و میدان را به هیچ وجه برای تحقق خواست و برنامه های نیروهای ارتجاعی خالی نگذارند. نباید اجازه داد شوراها که می بایست تبلور روشن اراده توده ها در تعیین حق حاکمیت شان باشد، در اختیار بلامنزاع نیروهای آزادی کش و واپس گرا قرار گیرد.

ادامه سرمایه داری در آستانه ...

دست به گریبان است، بحران اجتماعی - سیاسی سیستم سرمایه داری نیز ابعاد گسترده ئی به خود گرفته است. تشدید بی عدالتی، بورش به دست آوردهای اجتماعی کارگران و زحمتکشان، توسط نیروهای دست راستی، گسترش ابعاد نارضایتی توده ها و اوج گیری مبارزات کارگران و زحمتکشان، در سال های اخیر، از جمله در اروپا، آمریکا و در کشورهای آسیایی، همچون اندونزی و مالزی، که زمانی نمونه های «موفق» ثبات حاکمیت سرمایه داری بودند، از جمله عللی دیگری است که نظریه پردازان سرمایه داری را به فکر چاره جویی انداخته است.

کوشش نظریه پردازان مدافع سرمایه داری، برای آشتی دادن عدالت و برابری با سرمایه داری، و یا به قول گیدنز مفید ساختن سرمایه داری برای مردم، و نیز اقدامات احزاب سوسیال دمکرات برای نجات سیستم سرمایه داری، سابقه ئی طولانی دارد. اینکه گیدنز، لسترتورو و دیگران، نظریه هایی برای «بهروری» انسان ها در سیستم سرمایه داری ارائه می کنند، به هیچ وجه نو و شگفت آور، و یا به قول برخی «مبتنی بر دانش نوین» نیست. سال ها پیش لنین، در مورد ماهیت ضد علمی اندیشه های کارل کائوتسکی، بر نکاتی انگشت گذارده که دقت به آنها، با توجه به نظریه های نوین، به لحاظ علمی و عملی بی نهایت مهم است. کائوتسکی سیاست امپریالیسم را از اقتصاد آن جدا می کرد، و خصوصیت اساسی امپریالیسم یعنی سلطه انحصارها را نادیده می گرفت، و معتقد بود به جای سیاست غیرانسانی می توان سیاست دیگری را برای امپریالیسم به وجود آورد. لنین بدرستی و با اسلوب دقیق علمی، ماهیت نظرات کائوتسکی را افشاء ساخت، و توضیح داد که نمی توان سیاست امپریالیسم را از اقتصاد آن جدا کرد. این امر امروز با وجود تفاوت های جدی در سیمای سرمایه داری، به قوت خود باقی است. سرمایه داری هرگز نخواهد توانست برای زندگی اکثریت مردم مفید باشد، و اصولاً با امر عدالت اجتماعی و برابری آشتی ناپذیر است. حداقل پنجاه سال سابقه حضور سوسیال دمکراسی در اروپا نشان می دهد که، وشش آنها بیهوده و آب در هاون کوبیدن بوده است.

آیا سیمای جهان در آستانه هزاره سوم دلیل و گواه روشن و خدشه ناپذیری بر ناتوانی سرمایه داری نیست؟! آیا، در حداقل یکصد سال اخیر، سرمایه داری توانسته است با عدالت اجتماعی آشتی کند؟

برخلاف ادعاهای نظریه پردازان بورژوازی، سرمایه داری پایان تاریخ نیست. مارکسیسم لنینیسم بدرستی تأکید می کند که سرمایه داری جاودانی و ازلی نیست، بلکه صورت بندی ئی اجتماعی - اقتصادی - تاریخی است که به دلایل عینی پدید شده، و به دلایل عینی و علمی نیز پایان خواهد یافت.

به خوانندگان «نامه مردم»

به دلیل تعطیلات ایام سال نو میلادی، ضمیمه «نامه مردم»، شماره ۵۴۷ انتشار نیافت. ضمیمه «نامه مردم»، شماره ۵۴۸، مطابق روال عادی، منتشر خواهد شد.



بررسی رویدادهای جهان

«طالبانی» کردن پاکستان

معین قریشی، نخست وزیر موقت پیشین پاکستان، در مصاحبه ئی با صدای آمریکا، در هفتم دی ماه، فاش کرد که: «پاکستان با بحران اقتصادی بی سابقه ئی مواجه است.» به عقیده قریشی وخامت بحران اقتصادی کنونی این کشور، با هیچ دوره دیگری قابل قیاس نیست. به گفته قریشی «این بحران نتیجه نادیده گرفتن مشکلات پایه ئی است که بر پیشرفت اقتصادی این کشور اثر گذاشته است. اقتصاد داخلی ما درست عمل نمی کند و مشکل بی نظمی و بی قانونی بر مشکلات می افزاید.» قریشی با اشاره به وجود دسته های مسلح و مشکلاتی که این گروه ها ایجاد کرده اند، به خطری که از سوی «گروه های افراطی مذهبی» پاکستان را تهدید می کند، اشاره کرد و گفت که تصویب لایحه رسمیت یافتن «قانون شریعت اسلامی» برای پاکستان تهدیدی جدی است. به گفته او این لایحه خلاف قانون اساسی پاکستان و حتی متناقض با تعابیر قرآن است.

در روز ۶ دی ماه، بنیادگرایان اسلامی در پشاور، تهدید کردند که «قلم پای زنانی» را که قصد راه پیمایی در اعتراض به وضعیت اسفبار حقوق زنان در افغانستان را دارند، خواهند شکست. یک هفته پیش از این نیز در کوئته، مغازه های فروش و اجاره ویدئو مورد تهاجم بنیادگرایان قرار گرفت، و بر اثر فشار نیروهای مذهبی افراطی سینماها در ماه رمضان تعطیل شدند. سیاستمداران پاکستان، به شدت از عملکرد نواز شریف - از جمله تلاش در راه قانونی کردن قوانین «شریعت» که به تشویق نیروهای افراطی و به هدف در اختیار خود گرفتن قانون - منجر شده است، انتقاد کردند.

خانم بی نظیر بوتو، نخست وزیر پیشین و رهبر حزب مردم پاکستان، در این باره گفت: «نواز شریف مسئول طالبانی کردن پاکستان است.» بوتو، در سخنرانی ئی که روز پنجم دی ماه، در مجلس این کشور ایراد کرد، دولت نواز شریف را به فساد مالی متهم ساخت و با اشاره به خرید چهار ساختمان در لندن توسط نواز شریف، از جمله گفت: «من می خواهم بدانم که او این پول های کلان را از کجا آورده است... اگر نخست وزیر یک

کشور فراتر از قانون قرار گیرد، بی شک نظم و قانون فرو خواهد پاشید.»

انتخابات در اسرائیل

با خروج یک حزب افراطی از ائتلاف حاکم، به دلیل مخالفت با موافقتنامه صلح و تخلیه بخشی از اراضی اشغالی کرانه غربی رود اردن، پارلمان اسرائیل (کنست) روز ششم دی ماه تصویب کرد که انتخابات این کشور، که قرار بود در سال ۲۰۰۰ برگزار گردد، زودتر از موعد مقرر، یعنی در اردیبهشت ماه (آوریل - مه) برگزار شود. اعلام تاریخ انتخابات آینده در اوضاعی صورت می گیرد که حزب دست راستی و حاکم لیکود، در بحران عمیقی دست و پا می زند. جناح های افراطی حزب لیکود، در ماه های اخیر، کارزار همه جانبه ئی را بر ضد روند صلح خاورمیانه به راه انداخته اند.

چندین تن از مهره های سرشناس حزب لیکود اعلام کرده اند که با تشکیل یک حزب افراطی صهیونیستی، در انتخابات آینده، در مقابل جناح ناتانیاهو خواهند ایستاد. ناتانیاهو، در سخنرانی خود در روز ششم دی ماه، در تل آویو، عرفات را «دشمن اسرائیل» خواند، و از نیروهای اپوزیسیون چپ اسرائیل به عنوان خائنانی نام برد که حاضرند هرچه را اعراب بخواهند قبول کنند. در انتخابات آینده، چندین مهره سرشناس راست گرا، از جمله دان مریدور، وزیر سابق امور مالی، و بنی بگین، فرزند مناحیم بگین، پایه گذار حزب لیکود، که اکنون مدتهاست یک حزب افراطی - صهیونیستی را رهبری می کند، در مقابل ناتانیاهو به رقابت خواهند پرداخت.

بر اساس آخرین همه پرسی های انجام شده، شانس اهود برک، رهبر حزب کارگر اسرائیل، در اوضاع کنونی بیش از ناتانیاهو است. نیروهای دست راستی امیدوارند که ژنرال سابق، امون شخک، از سران سابق ستاد مشترک ارتش و از اعضای حزب کارگر، در مقابل برک خود را نامزد انتخابات کند و بدین ترتیب آراء حزب کارگر در انتخابات را تقسیم کند. به نظر کارشناسان سیاسی، در صورت نامزدی شخک، شانس جناح راست برای پیروزی در انتخابات افزایش خواهد یافت.

اخبار و گزارش های کوتاه

کشتار زندانیان سیاسی در عراق ادامه دارد

بر اساس گزارش های رسیده از عراق، شمار دیگری از زندانیان سیاسی در عراق، در یازدهم ماه نوامبر سال ۹۸ (۲۴ آبان ماه ۱۳۷۷)، در زندان ابو غریب به قتل رسیده اند. بر اساس اطلاعاتی که از سوی حزب کمونیست عراق به مجامع بین المللی ارسال شده است، از جمله اعلام شده است که هفده زندانی سیاسی در ماه نوامبر، در پی گرفتن اجباری خون بدنشان، به قتل رسیده اند. لازم به تذکر است که در سال ۹۸، شمار زیاد دیگری از زندانیان سیاسی عراق در زندان ابو غریب به دست دژخیمان صدام حسین به قتل رسیدند. حزب توده ایران باردیگر این جنایت وحشیانه رژیم دیکتاتوری صدام حسین را محکوم می کند، و همبستگی خود را با مردم عراق و نیروهای مترقی این کشور، خصوصاً حزب کمونیست عراق اعلام می دارد.

دادگاه بین المللی برای سران خمرهای سرخ

منابع رسمی دولت کامبوج، روز ششم دی ماه، اعلام کردند که خیوسامفان و نیوجی، رهبران سابق خمرهای سرخ کامبوج، خود را به نیروهای دولتی این کشور تسلیم کرده اند. بر اساس همین گزارش ها، دو رهبر سابق رژیم پل پت، که در دوران حاکمیت خمرهای سرخ بیش از ۱/۷ میلیون نفر از مردم این کشور را بر اساس نظریات بیمارگونه و مائوئیستی قتل عام کردند، قرار است برای مذاکره در مورد شرایط عفو خود، به پنوم پن پایتخت کامبوج بروند. سازمان «دیده بان حقوق بشر» که مرکز آن در نیویورک قرار دارد، دولت کامبوج را به خاطر عفو احتمالی این افراد مورد انتقاد قرار داد، و اعلام کرد: «اجازه دادن به این افراد برای بازگشت به جامعه مثل این است که بدترین قتل عام قرن بیستم اصلاً اتفاق نیفتاده است.» معاون فرماندار شهر پایلین، که توسط چریک های خمر سرخ اداره می شود، گفت که از نظر خمرها، برگزاری یک دادگاه بین المللی برای این افراد غیر قابل قبول است. وزیر اطلاعات کامبوج در همین زمینه اظهار نظر کرد که «ما مدافع برگزاری یک دادگاه بین المللی برای این افرادیم، ولی تاکنون هیچ حکم جلی برای این افراد صادر نشده است.»

دفاع از سوسیالیسم چینی

زبان زمین، رئیس جمهوری چین، روز ۲۷ آذرماه اعلام کرد که چین هیچ گاه سیستم چند حزبی را قبول نخواهد کرد، و هرگونه کوششی برای براندازی سیستم سوسیالیستی در چین، خرد خواهد شد. به گفته زمین «ما از دموکراسی با مشخصه های چینی دفاع خواهیم کرد». جیانگ، در سخنرانی خود به مناسبت بیستمین سالگرد آغاز اصلاحات اقتصادی دان سائو پین ضمن اشاره به لزوم حفظ ثبات، نظم و پیروی از خط حزب، از جمله گفت: «چین یک کشور سوسیالیستی است و تحت حاکمیت دموکراتیک کارگران و دهقانان قرار دارد. ما نباید هیچ گاه اجازه دهیم که این سیستم تضعیف و یا دچار آشفنگی شود. ما هیچ گاه از سیستم سیاسی غرب نمونه برداری نخواهیم کرد. ما باید در مقابل نفوذ، عملیات براندازی، و فعالیت های جدایی طلبانه نیروهای متخاصم داخلی و بین المللی حساس و هوشیار باشیم.» به گفته زمین «مقام های چینی باید با چنین فعالیت هایی مقابله کنند و آنها را در نطفه خفه سازند.»

تقسیم دریای خزر

اجلاس معاونان وزرای امور خارجه ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و قرقیزستان، در روزهای ۲۵ و ۲۶ آذرماه، برای بررسی و تصمیم پیرامون «نظام قانونی بهره برداری از منابع دریای خزر» در مسکو برگزار شد. با وجود نزدیک شدن مواضع شرکت کنندگان، اجلاس مسکو به حل اختلاف نظرها بین کشورهای شرکت کنند موقوف نگردید. بر اساس گزارش خبرگزاری «اینترن فاکس» روسیه و قزاقستان خواهان تقسیم بستر دریای خزر به بخش های ملی و استفاده مشترک همه کشورها از آب دریای خزر هستند. در مقابل این نظر، آذربایجان و ترکمنستان خواهان تقسیم بستر و آب دریای خزر به بخش های ملی اند. اگرچه دولت جمهوری اسلامی در ابتدا مخالفت خود را با این نظر اعلام کرده بود، ولی بنظر می رسد که مواضع جمهوری اسلامی به مواضع آذربایجان و ترکمنستان نزدیک شده است. خواست ایران تقسیم بستر و آب دریای خزر به بخش های مساوی است. اجلاس بعدی معاونان وزرای امور خارجه اردیبهشت ماه سال آینده در تهران برگزار خواهد شد.

سرمایه داری در آستانه سده بیست و یکم

با آغاز سال ۱۹۹۹، جامعه بشری آخرین سال هزاره دوم میلادی را آغاز کرد. نظام سرمایه داری جهانی، در آستانه هزاره سوم، با یکی از ژرف ترین بحران های اقتصادی خود روبه رو گردیده است. این بحران تا به آن پایه جدی است که، در اواخر مهر ماه، وزیران دارایی و روسای بانک های مرکزی هفت کشور عمده صنعتی جهان، در نشست واشنگتن، نسبت به ادامه بحران و پیامدهای غیر قابل پیش بینی آن، هشدار داده، و اعلام کردند که خطر اصلی در شرایط کنونی، رکود شدید اقتصادی است. بیل کلینتون، در جریان سخنرانی خود در اجلاس مشترک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، نیز در ارتباط با این بحران، ضمن ابراز نگرانی تأکید کرد: «جهان با جدی ترین چالش مالی در نیم سده اخیر مواجه شده است...»

برخی نظریه پردازان مدافع سرمایه داری، بحران کنونی را با بحران های اقتصادی دهه ۲۰ و ۳۰ میلادی قابل قیاس می دانند. امروزه تمامی رسانه های همگانی اروپا و آمریکا، و کلیه محافل با نفوذ و قدرتمند امپریالیستی، به ناچار، به وجود بحران مزمن و بسیار خطرناک معترف اند، و برای بهبود آن در بی راه حل اند و اینهمه در اوضاعی است که از فروپاشی اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم در اروپای شرقی، هنوز ده سال نگذشته است. به بیان روشن تر، کمتر از یک دهه پس از تبلیغات پرهزینه، فراگیر و بسیار گسترده پیرامون «شکست اندیشه های مارکس، انگلس و لنین» و «مرگ کمونیسم» و «پیروزی سرمایه داری» و برقراری نظم نوین جهانی، همگان اعتراف می کنند که سرمایه داری قادر به حل معضلات جامعه انسانی نیست، و ناکارایی خود را، به ویژه در اوضاع حاضر، به اثبات رسانده است!

● جهان در پرتو عملکرد سرمایه داری:

تازه ترین گزارش سازمان ملل متحد درباره فقر، که به تاریخ ۲۵ مهرماه ۱۳۷۷ انتشار یافته، سند معتبر و گویایی است از نقش و عملکرد سیستم سرمایه داری جهانی در دوران کنونی. در این سند رسمی تأکید می شود: «یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر از مردم کشورهای در حال توسعه، روزانه کمتر از یک دلار درآمد دارند. در این کشورها ۳۰ درصد از کل کودکان زیر پنج سال، دچار سوء تغذیه اند. ۲۸ درصد کل زنان جهان بی سواد اند.» در ارتباط با گزارش مذکور، لارمزکوایر، رئیس بخش فقر در برنامه عمران و توسعه سازمان ملل متحد، اوضاع را وخیم و سخت نگران کننده ترسیم می کند. وی یادآور می شود: «ما در وضعیت تعمیق بحران اقتصادی، و دورنمای نا امید کننده رشد اقتصادی جهان قرار داریم. پیش بینی می گردد که فقط در کشور اندونزی بین ۴۰ تا ۶۰ میلیون نفر دیگر تا پایان سال جاری به زیر خط فقر هل داده شوند. در سراسر جهان، تا پایان سال جاری مسیحی، پانصد میلیون نفر به جمع افرادی که زیر خط فقر قرار دارند، افزوده خواهد شد.»

پیش از انتشار این گزارش، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد با منتشر ساختن اطلاعاتی مطبوعاتی به نام «شرایط توسعه انسانی» به تاریخ ۱۸ شهریور ماه ۷۷، اعلام کرده بود: «در حالی که هزینه مصرف در سده بیستم به شکل غیر منتظره ای رو به افزایش گذاشته، و تا سال ۱۹۹۸ میلادی به ۲۴ تریلیون دلار رسیده است، هنوز بیش از یک میلیارد نفر از ساکنان کره زمین از آنچه انفجار مصرف نام گذاری شده، به کلی بی بهره هستند. بیش از ۸۶ درصد کالاها و خدمات جهان فقط توسط ۲۰ درصد مردم جهان مصرف می شود...» در بخش دیگری از این اطلاعیه مطبوعاتی آمده است: «تنها در اروپا و آمریکا سالانه مبلغ ۱۷ میلیارد دلار هزینه غذای حیوانات دست آموز است، در حالی که فقط با صرف ۶ میلیارد دلار می توان آموزش پایه ای را برای همگان در سراسر جهان تأمین و تضمین کرد... هر کودکی که امروزه در نیویورک، پاریس و

لندن به دنیا می آید، در طول عمر خود ۵۰ برابر یک کودک متولد شده در یکی از کشورهای در حال توسعه، کالا مصرف می کند و از امکانات برخوردار است... دارایی سه نفر از ثروتمندترین اشخاص جهان از مجموع تولید ناخالص ملی ۴۸ کشور فقیر جهان بیشتر است. شکاف میان فقرا و اغتیا ژرف تر گردیده است.» گسترش فقر، با پدیده ذاتی دیگر سیستم سرمایه داری یعنی، پدیده بیکاری، پیوند ناگسستی دارد. براساس آخرین گزارش سازمان بین المللی کار، تصریح شده که پدیده بیکاری رشد فزاینده داشته است. در گزارش فوق اشاره می شود: «یک میلیارد بیکار در جهان وجود دارد. این تعداد دچار بیکاری تمام وقت و پاره وقت اند. با بحران کنونی اقتصادی در جهان، تا پایان سال جاری میلادی، میلیون ها نفر دیگر به آمار بیکاران افزوده خواهد شد. ۵۰۰ میلیون نفر از افراد قادر به کار در جهان به دلیل پیدا نکردن فرصت شغلی در اقتصاد رسمی، در بخش های غیر رسمی و بدون دستمزد یا با دستمزد پایین، در شرایط ناگوار، مشغول به کار اند. اگر این تعداد را به یک میلیارد بیکار اضافه کنیم، در کل ۵۰ درصد نیروی قادر به کار در جهان گرفتار معضل عدم امنیت شغلی و بیکاری اند... با توجه به رکود و تورم جهانی، علاوه بر بیکاری، سطح دستمزد کارکنان با کاهش جدی روبه روبرو شده است.»

کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز در شرایط مطلوب قرار ندارند. افزایش بیکاری در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، رکود شدید در ژاپن، و کاهش دستمزدها در آمریکا، از جمله مشکلات بزرگی اند که باعث گسترش پدیده فقر نوین در این کشورها شده است.

پدیده نوینی که در سال های اخیر، در ارتباط با اشتغال، خودنمایی می کند، پدیده کارکنان کرایه ای و یا پیمانی است. تعدادی از بزرگ ترین شرکت ها و موسسه های تولیدی و خدماتی آمریکا، برای کاهش هزینه خود و فرار از تعهداتی مانند، حق بازنشستگی، بیمه و خدمات درمانی و مزایای قانونی دیگر، شکل نوینی از اشتغال را مرسوم کرده اند که عبارتست از اخراج وسیع کارکنان، و سپس استخدام برخی از آنان به صورت غیر رسمی و پیمانی که اصطلاحاً «کارگران کرایه ای» خوانده می شوند. این شرکت ها مبلغی را برای کار معین در زمان مشخص، در نظر می گیرند و فردی که به این شکل مشغول به کار می شود از کلیه حقوق قانونی محروم می گردد. تنها در ایالات متحده آمریکا، در سال ۱۹۹۷ میلادی، بیش از یک میلیون نفر به این شکل به کار اشتغال داشته اند. مدیران شرکت های آمریکایی اعلام می کنند که هزینه های آنها با این «ابتکار» به یک سوم تقلیل

ادامه در صفحه ۴

کمک های مالی رسیده

- به یاد رفقای شهید ذوالقدر، جوانشیر و باقرزاده ۱۰۰۰ مارک
- به یاد رفیق شهید انوشیروان ابراهیمی ۱۰۰ مارک
- به یاد رفیق شهید جلیل جباری ۵۰۰ مارک
- مانی از اسن، به یاد رفیق حیدر مهرگان ۱۰۰ مارک
- هادی از هامبورگ، برای ۵۷ - مین سالگرد حزب ۱۰۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:548

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

5 January 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse



در حاشیه رسوایی قتل های سیاسی اخیر

«چراغ» جناح دذوب در ولایت،

در پی روشن شدن دست داشتن مأموران وزارت اطلاعات در قتل های اخیر، صدا و سیما جمهوری اسلامی، همگام با نیروهای مدافع «ذوب در ولایت»، برنامه‌ای به نام «چراغ» از شبکه سراسری صدا و سیما پخش کردند که در آن روح الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، و دیگران، طرفداران خاتمی را به دست داشتن در این قتل‌ها متهم کردند. واکنش به اظهارات حسینیان، در میان نیروهای گوناگون، بسیار شدید و قاطع بود.

بیانک، نماینده مجلس شورای اسلامی از اهواز، در این زمینه گفت که، اگر قرار باشد گروهی بی طرف قضایا را ریشه یابی کند، قطعاً پای افرادی نظیر ایشان [حسینیان] درگیر خواهد بود. وی در ادامه همین سخنان گفت با توجه به اینکه حسینیان از نیروهای سپاه و اطلاعات خواست تا در مقابل جریانات اخیر مجهز شوند، به نظر می رسد که این جریان را باید به عنوان آماده شدن گروهی برای کودتا در کشور قلمداد کنیم.

«پاکسازی بنیادین» وزارت اطلاعات

بر اساس گزارش خبرگزاری رویتر، آیت الله منتظری، با انتشار بیانیه‌ای در قم، ضمن محکوم کردن اقدامات و قتل های سیاسی اخیر، خواهان پاکسازی بنیادین وزارت اطلاعات در همه رده ها شد.

لازم به تذکر است که منزل و نزدیکان آیت الله منتظری، در ماه های اخیر، از جمله آساج های مورد یورش و تهاجم نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم بوده اند، طوری که آیت الله منتظری عملاً در خانه خود زندانی است و کلاس های درس وی تعطیل شده اند.

«مجموعه های شرعی و قانونی» برای ترور های اخیر

مجید انصاری، ضمن طرح این موضوع که

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

- حزب توده ایران خواهان انحلال فوری تمام ارگان ها و نهادهای سرکوبگر از جمله سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، کمیته های انقلاب، دادستانی انقلاب و بسیج است.
- حزب توده ایران خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، اعلام بی درنگ بی اعتبار بودن اتهام ها و احکام دادگاه های «شرع» - اعم از نظامی و غیر نظامی - و پیگرد و محاکمه علنی شکنجه گران و مسؤولان کشتار های جمعی زندانیان سیاسی ایران است.
- حزب توده ایران خواهان تضمین خدشه ناپذیر و بدون قید و شرط آزادی اندیشه، دین، بیان، قلم، مطبوعات، و حق تشکیل احزاب، جمعیت ها، اتحادیه ها و سندیکاهای صنفی است. و از حق انتخاب شغل، محل سکونت، و حق اعتصاب و حقوق مدنی و دموکراتیک شهروندان، دفاع می کند.
- حزب توده ایران خواهان اجرای بدون قید و شرط منشور جهانی حقوق بشر و نظارت بر اجرای آن از طریق ایجاد نهاد مستقلی با شرکت نمایندگان سازمان ها، احزاب، و گروه های سیاسی و صنفی کشور است.

از برنامه حزب توده ایران، مصوب کنگره چهارم



شماره ۵۴۸، دوره هشتم، سال چهاردهم، سه شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۷۷

«ریشه یابی» جنایات اخیر، و فرمان «ولی فقیه» برای «حفظ سنگرها»

از جمله شعارهای صداها دانشجوی دانشگاه های تهران: «توطئه خائنین، افشا باید گردد»؛ «توطئه کودتا، افشا باید گردد»؛ «وزیر اطلاعات، استعفاء، استعفاء»؛ «وزیر ضد ملت، خجالت، خجالت»!

که، برخی رسانه های خارجی و مطبوعات داخلی، به قطعیت اعلام می کردند که دستگاه امنیتی کشور خود عامل جنایت اند می پرسد: «واقعا رادیوهای بیگانه و بعضی عناصر داخلی با دسترسی به کدامین اطلاعات موثق چنین قاطع سخن می گفتند؟ آیا آنها از واقعیات پشت پرده خبر داشته اند؟ و آیا اطلاع آنان قبل از اطلاع مسئولان پی گیری کننده وزارت اطلاعات بوده است؟»

در مقابل این موضع گیری های جناح مدافعان «ذوب در ولایت»، طرفداران آقای خاتمی، ضمن تأکید بر این که مسأله تنها با دستگیری «مجرمان» این جنایات خاتمه نمی یابد، خواهان «ریشه یابی» فتنه های اخیر شدند. روزنامه سلام در این باره نوشت: «برای بسیاری از افرادی که سهمی هر چند کوچک در انقلاب و دل در گرو نظام داشتند غیر قابل باور بود که افرادی از داخل مجموعه قدرت دست به چنین اقداماتی زده باشند... شاید در همان روزهای اول حوادث که برخی مسئولین بلند پایه اطلاعاتی امنیتی به جای تشکیل ستاد ویژه و پیگیری این اقدامات ضد امنیتی به سفرهای دوره ای و وعظ و خطابه پرداختند، قابل حدس و پیش بینی بود که برخی تمایل ندارند این جنایت پیگیری و ریشه یابی گردد.» و سپس با تشدید جو تضر و انزجار عمومی از دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی رژیم، در مقاله‌ای، در روز دوشنبه ۲۱ دی ماه، نوشت: «پس از روش شدن واقعیات های تلخ قتل های اخیر نکته ای که تمامی مسئولین بلند پایه کشور و دیگر صاحب نظران بر آن تأکید داشته اند متوقف شدن در حد شناسایی و

با انتشار اطلاعاتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، مبنی بر دستگیری تنی چند از مأموران این وزارتخانه به اتهام قتل های اخیر، مسأله عملکرد و برخورد رژیم «ولایت فقیه»، و دستگاه های امنیتی آن، در مرکز بحث و برخورد های نیروهای مختلف کشور قرار گرفت. سید علی خامنه ای - «ولی فقیه» - در سخنان خود، در نماز جمعه تهران، ضمن اعلام دو باره این مطلب که، عوامل بیگانه در جریان این قتل ها دست داشته اند گفت که، این قضیه هنوز خاتمه پیدا نکرده است و «رئیس جمهور و مسئولان وزارت اطلاعات باید سرخ های قتل های اخیر را پیدا کنند.» ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز در جلسه روز چهارشنبه مجلس با اشاره به کشتارهای اخیر با تأکید بر این که موضوع را نباید پایان یافته تلقی کرد، افزود: «به اعتقاد بنده موضوع پیچیده تر از اینهاست. این که آیا این نوع حوادث با بیگانگان پیوند ارتباط دارد یا نه، پاسخ آن وردکردنش ساده نیست. جریانات های جاسوسی در دنیا پیچیده عمل می کنند.» روزنامه کیهان، یکی از بلندگویان و مدافعان سرکوب، نیز در مقاله‌ای با عنوان «چه کسی به این پرسش ها پاسخ می دهد» ضمن تکرار سناریوی دست داشتن بیگانه در این قتل ها، نوشت: «انتظار این است که هر چه زودتر مشخص شود آیا عوامل دستگیر شده وابسته به سرویس های اطلاعاتی بیگانه بوده اند یا صرفاً از روی خود سری و کج اندیشی به منافع ملی نظام حمله برده اند. مردم حق دارند پاسخ این سوال را دریافت کنند که این افراد با اتکا به کدام نیروی خارج از مجموعه خود دست به جنایت زده اند و سایر عوامل را در کجاها باید جستجو نمود؟» کیهان ضمن اشاره به این مسأله

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه ریشه یابی جنایات اخیر ...

برخورد با تنها مجریان و عاملین قتل ها، بلکه شناسایی ریشه فتنه و قطع آن است.»
دیگر نیروهای طرفدار خاتمی، از جمله «جبهه مشارکت ایران اسلامی»، «دفتر تحکیم وحدت» و دیگران، نیز با صدور بیانیه های گوناگونی، خواهان برکناری وزیر و مدیریت وزارت اطلاعات، و برخورد با جریان هدایت کننده این جنایات شدند. سید محمد خاتمی در سخنانی که روز شنبه ۱۹ دی ماه ایراد کرد، در این زمینه از جمله گفت: «آدمکشی و قتل آن هم در دوران تثبیت نظام و تلاش برای قانونگرایی، نشان داد که آنهایی که از همان اول هم ثبات انقلاب اسلامی را نمی خواستند، اکنون نیز دوباره خود را نشان داده و ابزار دست دشمنان شده اند... من بر آنم که با پیگیری این موضوع، ریشه را قطع کنم تا برای این گونه افراد در کشور، جایی نباشد.»

بحث اساسی در اینجا بر سر این است که چگونه می توان ریشه های اصلی این جنایات را شناسایی کرد، و چگونه بود که هفته ها پیش از اعتراف وزارت اطلاعات رژیم، نیروهای مترقی، از جمله حزب توده ایران، با صراحت و قاطعیت اعلام کردند که، این جنایات به دست عوامل رژیم صورت گرفته است. پاسخ به این سنووال کار دشواری نیست. عملکرد وزارت اطلاعات و نیروهای سرکوبگر رژیم، از جمله سپاه پاسداران، بسیج و دیگر گروه های مسلح و نیمه مسلح، اکنون سال هاست که روشن شده است. عمده ترین وظیفه این نیروها نه دفاع از منافع ملی میهن ما، بلکه حفظ رژیم «ولایت فقیه» به هر قیمت و وسیله ئی است. همان طور که قبلاً اشاره کردیم، قتل های نفرت انگیز هفته های اخیر، نخستین قتل ها و ترور های دستگاه های سرکوبگر نبوده است. در سال های گذشته، از جمله در جریان فاجعه ملی، به فرمان سران حکومتی، هزاران انسان آزادی خواه در مدت کوتاهی قتل عام شدند. دادگاه میکونوس در برلین به این نتیجه رسید که، ترور دکتر شرفکندی و پاران او به فرمان مستقیم سید علی خامنه ای و رفسنجانی، و به دست وزارت اطلاعات رژیم انجام گرفته است. با توجه به همه این داده ها و رویدادهایی که در هفته های پیش از این قتل ها در میهن ما اتفاق افتاد، ریشه یابی این حوادث کار دشواری نیست. نیروهای واپسگر و تاریک اندیشی که معتقد بودند باید آزادی را سرکوب کرد و «ولی فقیه» بر «جان و مال مردم» حاکم است (نگاه کنید به سخنان صباح یزدی، مهدوی کنی و جنتی)، با اوج گیری جنبش مردمی، اعلام خطر کرده و گفته بودند که برای سد کردن این جنبش باید «گردن زده شود» و «زبان بریده شود.» مگر صفوی، فرمانده سپاه، قبلاً نگفته بود که ما با تمام توان از «نظام ولایت فقیه» دفاع خواهیم کرد، و ما تنها گوش به فرمان یک نفر، یعنی «ولی فقیه» هستیم؟ مگر ذوالقدر، معاون صفوی، و کسی که با توجه به گزارش های منتشر شده، نقش اساسی در سازمان دهی این جنایات داشته، نگفته بود که امروز ایران صحنه جنگ است و باید بسیاری از «سنگر های خودی را که دشمن اشنال کرده» باز پس گرفت؟ و باز مگر همین ذوالقدر نبود که، درست پیش از قتل های اخیر، گفته بود ما انتقام خون شهدای پاسدار (اشاره به کشته شدن تنی چند از فرماندهان سپاه به دست یک سرباز)، از «این قلم بدستان مسوم» خواهیم گرفت؟

با توجه به این مجموعه، جای شکی باقی نمی ماند که جریان ترور های اخیر، نقشه از پیش تدارک دیده شده ئی برای سرکوب جنبش مردمی میهن ما بوده است. ریشه اصلی جنایات اخیر را بنابراین، در بالاترین ارگان و نهاد تصمیم گیری رژیم «ولایت فقیه»، یعنی «ولی فقیه» و گروه ها و نهادهای وابسته به آن باید جست و جو کرد. در این نقشه شوم و پلید بر ضد جنبش مردمی و منافع ملی میهن ما، همه این نیروها، از قوه قضائیه و مسئول آن، محمد یزدی، تا وزارت اطلاعات، سپاه، بسیج، شورای نگهبان، چماق داران حزب الله و انصار حزب الله و دیگران، دست داشته اند. بیهود نیست که خامنه ای، هراسناک از عواقب کار، «نیروهای خودی» را به «حفظ روحیه و سنگر» ها فرا می خواند، و با وجود فشارهای شدید و خواست عمومی مردم برای پاکسازی و برکناری مسئولین وزارت اطلاعات، در سخنان خود می گوید: «وزارت اطلاعات از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون بزرگترین خدمات را به انجام رسانده است...»
عده ای در صدد هستند تا از وزارت اطلاعات انتقام بگیرند. تبلیغات علیه وزارت اطلاعات، کمال بی انصافی و ظلم مسلم است و من به مسئولین، معاونین و مدیران این وزارت خانه عرض می کنم که مبادا روحیه خود را از دست بدهید، سنگر هایتان را محکم حفظ کنید.»
اصرار خامنه ای و جناح راست در دفاع از دری نجف آبادی و ابقای او، نه تنها به دلیل در اختیار داشتن این وزارت خانه مهم برای پیشبرد برنامه سرکوب نیروهای مترقی و تحول طلب در میهن ماست، بلکه نیروهای واپس گرا و تاریک اندیش جناح مدافعان «ولایت مطلقه فقیه»، ایفای نقش مهم گم کردن رد پای آسین اصلی قتل های سیاسی اخیر را با حضور دری نجف آبادی، این دست نشانده مستقیم خامنه ای در رأس وزارت اطلاعات، ممکن می بینند. نامه صد و هشتاد نفر از نمایندگان مدافع خامنه ای در مجلس، در تأکید ابقای وزیر اطلاعات، نیز در تأکید اهمیت همین نقش برای دری نجف آبادی است. در مقابل این کارزار نیروهای مدافع استبداد، نیروهای مردمی، بدرستی تغییرات بنیادینی را در تمامی این عرصه ها، از جمله نقش ضد مردمی و اختیارات نامحدود نیروهای امنیتی، خصوصاً وزارت اطلاعات، سپاه و بسیج خواهان اند. در راستای چنین خواستی است که صدها دانشجوی دانشگاه های تهران، در تجمع خود، شمار می دادند: «توطئه خائنین، افشا باید گردد»: «توطئه کودتا، افشا باید گردد»: «وزیر اطلاعات، استعفاء، استعفاء»: «وزیر ضد ملت، خجالت، خجالت».

نیروهای واپس گرا، سرکوبگر و مدافعان آزادی کشتی، همان طوری که از سخنان خامنه ای می توان استنباط کرد، مصمم اند تا با تمام توان و نیرو در مقابل خواست توده ها برای تغییرات بنیادین، مقاومت کنند و بر توطئه شوم سرکوب جنبش مردمی سرپوش گذارند. برگزاری دادگاه هایی از نوع دادگاهی که برای ضاربین نوری و مهاجرانی توسط یزدی و عوامش سرهم بندی شد، نمی تواند پاسخگوی خواست مردم ما برای ریشه یابی این جنایات باشد. ریشه این جنایات، در اختیارات نامحدود «ولی فقیه» و ماهیت عمیقاً ضد مردمی و استبدادی این رژیم نهفته است. تغییر بنیادین، تنها از طریق محدود کردن این اختیارات، و سرانجام طرد رژیم «ولایت فقیه» ممکن خواهد بود. برای این خواست های مردمی و مترقی، باید در جامعه نیرو بسیج کرد. پیروزی جنبش مردمی، تنها با حضور متحد و مقتدرانه مردم در صحنه مبارزه ممکن است.

ادامه رویدادهای ایران

سخنان حسینیان، با توجه به اینکه نامبرده خود قاضی است، بسیار شگفت انگیز است به گفته انصاری «نفس این سخنان از سوی فردی که در قوه قضائیه و بخصوص در دادگاه ویژه روحانیت کار می کند، ممکن است این شائبه را به وجود آورد که افرادی در دستگاه قضائی مقتولین اخیر را مهدور الدم می دانند و زمینه تقویت شایعات دشمنان انقلاب را که مدعی اند این قتل ها با مجوز های شرعی و قانونی انجام شده است، فراهم کرده اند.

معرفی سردسته گروه خشن

نشریه «جام»، ارگان جامعه اسلامی مهندسین که مدیر آن مهندس باهنر، عضو هیأت رئیسه مجلس و از افراد مؤثر جناح «ذوب در ولایت» است، در تحلیلی پیرامون وقایع اخیر، از جمله نوشته است: «اینک تردیدی نیست که گروهی که دست به این جنایات زده است، از پیشینه انتساب به باند مهدی هاشمی برخوردار بوده و از افکار و باورهای او نقش پذیرفته است.»

«شخصی به نام...» که زیاست این دسته را برعهده داشته از درس آموختگان مکتب هاشمی بوده و در طول مدتی که در اطلاعات شیراز، مسئولیت داشته، همواره با امام جمعه شیراز درگیری داشته، همیشه با ایشان مخالفت می نموده و کارشکنی می کرده است...

«سردسته این گروه خشن در مدعیات خود (که به عنوان انگیزه این جنایات از آن نام برده) می گوید که به دلیل اینکه اسلام را در خطر دیده به این قتل ها دست زده است...»

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO:548
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

12 December 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e. V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse